جلسه 60-686

**دو‌شنبه - 28/10/94**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به تعین حلق بود بر صرورة که آقای خوئی فرمودند استدلال شده به روایت علی بن ابی حمزه که علی الصرورة ان یحلق انما التقصیر لمن قد حج حجة الاسلام فرمود که این مضمونش قابل التزام نیست؛ چون صرورة را در مقابل کسی قرار داد که حجة الاسلام بجا آورده در حالی که صرورة در مقابل کسی است که قبلا حج بجا آورده. هر کسی یک بار حج بجا آورده و لو حج نیابی و لو حج فقیرانه که حج مستحب است در حج دوم دیگه صرورة نیست. در صحیحه معاویة بن عمار هم گفت ینبغی للصرورة ان یحلق و ان کان قد حج قبل ذلک فان شاء حلق و ان شاء قصر. و یا در روایات دیگر می‌گفت یجب الحلق علی من حج بدوا لم‌یحج قبله. در حالی که روایت ابی حمزه معنای دیگری می‌کند برای صرورة. معنای روایت علی بن حمزه این است که اگر کسی بیست بار حج بجا آورد اما مستطیع نبود بار بیست و یکم مستطیع شد و حج بجا آورد، این امسال مصداق حج صرورة است؛ تا کنون حجش حج غیر صرورة بوده. این هم خلاف روایات دیگر است هم خلاف لغت است؛ چون لغت که می‌بینید معنا می‌کند صرورة را به کسی که اولین بارش هست که حج بجا می‌آورد.

کتب لغت را که مراجعه می‌کنیم کتاب العین می‌گوید: الصرورة من الرجال و النساء الذی لم‌یحج. نمی‌گوید الذی لم‌یحج حجة الاسلام. الصرورة الذی لم‌یتزوج. چطوردر رابطه با ازدواج به جوانی که تا کنون ازدواج نکرده می‌گویند صرورة، من لم‌یتزوج، جوان ناکام، در حج هم کسی صرورة است که تا کنون حج بجا نیاورده.

در کتاب المحیط همین را می‌گوید؛ می‌گوید الصرورة من الرجال و النساء الذی لا یحج الذی لایرید التزویج ابدا. در صحاح می‌گوید: فی الحدیث لاصرورة فی الاسلام؛ یعنی عزوبت در اسلام نیست. امراة صرورة ای لم‌تحج. در معجم مقاییس اللغة می‌گوید: الصرورة هو الذی لم‌یحج و الذی لم‌یتزوج. بعد می‌گوید: الاصل فی الصرورة ان الرجل فی الجاهلیة اذا احدث حدثا فلجأ الی الکعبة لم‌‌یهج فکان اذا لقیه الدم بالحرم قیل له هو صرورة فلاتهجه. ریشه صرورة هم می‌گوید از اینجا گرفته شده. مجمع البحرین. مجمع البحرین تعبیری که می‌کند این است: الصرورة یقال للذی لم‌یحج بعدُ. مصباح المنیر: الصرورة بالفتح الذی لم‌یحج. حالا چرا این‌طور می‌گویند؟ می‌گوید: سمی بذلک لصرّه علی نفقته. چون کیسه‌اش را بسته؛ باز نکرده. صره لنفقته لانها لم‌یخرجها فی الحج. الان می‌گویی کیف سامسونتش را که پر از اسکناس است هنوز باز نکرده. لصره علی نفقته لانه لم‌یخرجها فی الحج.

[سؤال: ... جواب:] او هم پول دیگران را خرج کرده. ... ببینید! کلام در این است که منشأ تسمیه صرورة این بود که خلاصه هنوز حج بجا نیاورده می‌گوید: باز نکرده کیسه پولش را برای حج.

و همین‌طور نهایه ابن اثیر آنجا هم همین‌طور معنا می‌کند.

بنابراین می‌شود اتفاق لغویین بر این‌که صرورة آنی است که لم‌یحج قبل ذلک. چون نهایه ابن اثیر می‌گوید الصرورة الذی لم‌یحج قط.

این کلمات لغویین است. روایات را هم که ایشان می‌فرماید به همین مضمون بود. پس این روایت علی بن ابی حمزه مطلبی می‌گوید که قابل التزام نیست.

این فرمایش ایشان قابل بررسی است ما به کلمات فقهاء که مراجعه کردیم دیدیم شیخ در نهایه، مبسوط، کتاب‌های دیگر، صرورة را کسی می‌داند که حجة الاسلام هنوز بجا نیاورده؛ در مقابل من حج حجه الاسلام. و اینجا است که ممکن است آدم بگوید این تعاریف لغوی و این روایاتی که می‌گوید صرورة من لم‌یحج از باب این است که غالبا حج اول حجة الاسلام هست؛ تعریف به لازم عادی کردند. لازم عادی افراد که حج اول بجا می‌آورند این است که همان حج اول‌شان حجة الاسلام است. این احتمالش هست. باید بیشتر روایات را بررسی کنیم. کلمات لغویین و برخی از این روایات که صرورة را در مقابل من حج قبل ذلک گذاشت یا گفت یجب الحلق علی من حج بدوا لم‌یحج قبله. اگر روایات دیگر اظهر باشد در این‌که صرورة در مقابل کسی است که قبلا حجة الاسلام بجا آورده که مطابق می‌شود با روایت علی بن ابی حمزه خب این کلمات لغویین را می‌توانیم توجیه کنیم بگوییم که غالبا این‌طور بود که افراد حج اول‌شان می‌شد حجة الاسلام برای همین گفتند صرورة کسی است که هنوز حج نرفته چون غالبا اگر حج برود همان حج اولش می‌شود حجة الاسلام از صرورة بودن خارج می‌شود. روایات را که برسی می‌کنیم این شبهه قوی می‌شود که صرورة نه به آن معنایی است که آقای خوئی معنا کرده؛ به همان معنایی است که روایت علی ابی حمزه می‌گوید.

و لذا آقای زنجانی نظرشان همین است. می‌گویند: اگر بیست بار حج بروی، حج مستحب، حج نیابی، چون مستطیع نبودی یا خدایی نکرده حجت باطل بود، امسال مستطیع شدی حج صحیح بجا می‌خواهی بیاوری باید حلق کنی. علی الصرورة ان یحلق انما التقصیر لمن حج حجه الاسلام. تقصیر برای کسی است که قبلا حجه الاسلامش بجا آورده. نه این‌که الان می‌خواهد حجة الاسلامش را می‌خواهد بجا بیاورد.

[سؤال: ... جواب:] انما التقصیر لمن قد حج حجة الاسلام. تقصیر برای کسی است که قبلا حجة الاسلام بجا آورده. اما کسی که الان می‌خواهد حجة الاسلام بجا بیاورد این باید حلق کند. این‌که شما احتمالا می‌فرمایید یک معنای مقطوع البطلانی است. چه می‌خواهید بگویید؟ می‌خواهید بگویید کسی می‌تواند تقصیر کند که حجة الاسلامش را پشت سر گذاشته باشد و لذا این آقایی که سال بیست و یکم حجة الاسلام بجا می‌آورد کل این بیست و یک سال باید حلق می‌کرد. انما التقصیر لمن قد حج حجة الاسلام. تقصیر فقط برای کسی است که از پل حجة الاسلام عبور کند. این آقا در این بیست و یک سال از پل حجة الاسلام عبور نکرده. این علی الصرورة را هم این‌طور معنا می‌کنید صرورة کسی است که من لم‌یحج حجة الاسلام. در این بیست و یک سال این آقا صرورة بوده چون حجة الاسلام بجا نیاورده بوده باید حلق می‌کرد. سال بیست و یکم که همان سال حجة الاسلام است هنوز صرورة است آن سال هم حلق کند. سال بیست و دوم اگر راه‌ها بسته نشده بود و توانست حج برود انما التقصیر لمن قد حج حجة الاسلام ظاهرا شما این‌طور می‌خواهید معنا کنید. این معنا واضح الفساد است هیچکس این را ملتزم نشده. و اصلا عرفیت ندارد که بگوییم این آقا در این بیست و یک سال بیست و یک بار حج رفته و کل این بیست و یک سال وظیفه‌اش حلق بوده چون هنوز از سفر حجة الاسلام بر نگشته بوده؛ هیچ وقت نمی‌تواند بگوید من حجة الاسلامم را بجا آورده بود. نه؛ این قابل این نیست که روایت را بر او حمل کنیم با روایات دیگر هم سازگار نیست. ظاهر روایت علی بن ابی حمزه این است که صرورة را معنا می‌کند می‌گوید یجب علی الصرورة ن یحلق یعنی آن سفری که حجه الاسلام بجا می‌آوری باید در آن سفر حلق کنی. در مقابل کسی که حجة الاسلام بجا نمی‌آورد؛ او و لو سفر اولش باشد که حجه الاسلام بجا نمی‌آورد چون فقیر است با حج نیابی با فیش پدر آمد حج، او لازم نیست حلق بکند طبق این فرمایش آقای زنجانی که ظاهر روایت علی بن ابی حمزه هم هست.

ما باید رجوع کنیم به روایات. عمده روایات ظاهر در همین معنایی است که الصرورة من لم‌یحج حجة الاسلام و وقتی می‌گوید یجب علی الصرورة ان یحلق ظاهر در این است که این سفر حج واجبش باید حلق کند. چندین روایت را بخوانم:

یک: صحیحه علی بن مهزیار: کتب ابراهیم الهمدانی الی ابی جعفر علیه السلام انی حججت و انا مخالف و کنت صرورة. می‌گوید من شیعی نبودم حج بجا آوردم در حالی که صرورة بودم. این اگر بخواهد بگوید حج بجا آورد در حالی که قبلا حج بجا آورده نبودم، توضیح واضحات است. هر کسی حج بجا می‌آورد خب اولین بارش قبلا حج بجا نیاورده. این می‌گوید حججت و انا مخالف و کنت صرورة. می‌خواهد بگوید حجم حجة الاسلام بود؛ مجزی است یا مجزی نیست؟ حج مستحب نبود دغدغه من این است که من وقتی که مخالف بودم حج واجب بجا آوردم، حججت و انا مخالف و کنت صرورة این معنایی که آقای خوئی می‌کنند معنایش این می‌شود که و کان اول حجی؛ حججت و انا مخالف و کان اول حجی عادة این‌طور نیست که ارتداد پیدا کرد از تشیع و بعد رفت سنی شد حالا دومرتبه آمده شیعه شد. این‌که خلاف عادت است. این، مخالف به دنیا آمده بود مخالف بزرگ شده می‌گوید حالا مستبصر شد. می‌گوید من زمانی که مخالف بودم حج بجا آوردم در حالی که صرورة بودم یعنی در حالی که قبلا حج بجا نیاورده بودم؟ خب قبلا هم اگر حج بجا آورده بودی باز مخالف بودی، چه فرقی می‌کند؟ و کنت صرورة یعنی حجم حج واجب بود می‌خواهم ببینیم مجزی است؟ فدخلت متمتعا بالعمره الی الحج اتفاقا حج تمتع هم بجا آورده بودم که شما می‌گویید حج واجب باید حج تمتع باشد اما مخالف بودم؛ شیعه نبودم. قال فکتب الیه اعد حجک. حجت را اعاده کن. حالا حمل بر استحباب می‌کنیم به قرینه آن روایاتی که می‌گوید حج مخالف بعد از استبصار مجزی است. و لکن صرورة در این روایت ظهور عرفی این است که حجم حج واجب بود.

[سؤال: ... جواب:] و کنت صرورة یعنی کان اولی حجی حالا اگر دومین حجت بود چه می‌شد؟ فرض این است که یک وقت می‌گویی من قبلا شیعی بودم اولین حج را در زمان تشیع بجا آوردم این‌که سؤال نمیکند. این معلوم می‌شود از اول مخالف بود و هر چی حج بجا آورده حج به عنوان غیر شیعی بجا آورد. اگر این‌طور باشد تا حالا هر چی حج بجا آورده مخالف بوده، و کنت صرورة یعنی چی؟ این و کنت صرورة ظاهرش این است که حج واجبم بود می‌خواهم ببینم مجزی است یا مجزی نیست؟

[سؤال: ... جواب:] استعمال ظهور عرفی را کشف می‌کند چه امام استعمال کنند چه ماموم.

روایت دوم صحیح برید عجلی: سألت اباجعفر علیه السلام عن رجل خرج حاجا فمات فی الطریق قال ان کان صرورة ثم مات فی الحرم اجزاء عنه حجة الاسلام. قلت: ارایت ان کانت الحجة تطوعا ثم مات فی الطریق الی آخر الحدیث. ببینید! حضرت فرمود من خرج حاجا در بین راه فوت کرد اگر در حرم فوت کرد و صرورة بوده مجزی است از حجة الاسلام. اگر قبل از احرام فوت بکند در حالی که صرورة بوده باید پولش رو و جملش را بردارند هزینه نیابت حجة الاسلام برایش بکنند. راوی می‌گوید اگر حجش مستحب بود چی؟ امام جواب می‌دهند هر چی اموالش هست مال ورثه است چون قبل از احرام فوت کرد. دیگه نیابت گرفتن لازم نیست. کاملا مشخص است صرورة در اینجا کسی است که سفرش سفر حجة الاسلام است.

روایت سوم روایت زراره: امراة لها زوج و هی صرورة لایاذن لها فی الحج قال تحج و ان لم‌یاذن لها. زنی صرورة هست شوهرش اذن نمی‌دهد در حج حضرت فرمود حج بجا بیاورد و لو شوهرش اذن ندهد. این مشخص است که مقصود حج مستحب نیست؛ مقصود حج واجب است. در صحیحه محمد بن مسلم اتفاقا تصریح می‌کند می‌گوید که تحج حجة الاسلام. مشابه همین روایت است؛ می‌گوید تحج حجة الاسلام و الا این معنایی که آقای خوئی می‌کنند برای صرورة جور نمی‌آید که عن امراة لها زوج و هی صرورة یعنی هنوز سفر حج نرفته است امام باید بفرماید این حج واجب است یا مستحب. ممکن است حج نرفته و لکن حجش حج مستحب است مستطیع نیست. در حالی که امام فرمود باید حج برود یعنی چون حجه الاسلامش است باید حج برود. در روایت حسین بن علوان است: لاباس ان تحج المراة الصرورة مع قوم صالحین اذا لم‌یکن لها محرم و لازوج.

[سؤال: ... جواب:] مشخص است که این، حج واجب را می‌گوید؛ حج مستحب را که نمی‌گوید.

صحیحه منصور: المطلقة تحج فی عدتها؟ قال ان کانت صرورة تحج فی عدتها و ان کانت قد حجت فلاتحج حتی تقضی عدتها. ان کانت صرورة تحج فی عدتها یعنی چون حج واجب است عرض کردم صحیحه محمد بن مسلم که تصریح می‌کند. می‌گوید لاطاعة له علیها فی حجة‌ الاسلام. فرض کرده حجة الاسلام است. این صحیحه منصور یا آن روایات دیگر هم که می‌گوید ان کانت صرورة تحج فی عدتها یا تحج و لو لم‌یاذن لها زوجها اصلا متفاهم از این، این است که حج واجب مقصود است؛ صرورة یعنی کسی که حجش حج واجب است؛ حجة الاسلام است.

[سؤال: ... جواب:] احسنت. من هم همین را می‌گویم. این تعبیر که می‌خواهید بکنید برای صرورة بکنیم می‌گوییم اگر تا حالا حج نرفته باید حج برود از باب این‌که معمولا حج اول همان حجة الاسلام است تفسیر می‌کنیم صرورة را به من لم‌یحج قبل ذلک با این‌که مقصود از صرورة کسی است که تا حالا حج واجب نرفته و الان حجة‌ الاسلام باید برود. این فرمایش شما موید عرض ما است.

روایت چهارم روایت محمد بن الفضل الهاشمی دخلت مع اخوتی علی ابی عبدالله علیه السلام فقلنا انا نرید الحج و بعضنا صرورة فقال علیکم بالتمتع. می‌گوید من و برادرانم آمدیم خدمت امام علیه السلام عرض کردیم ما قصد حج داریم و بعضی از ما صرورة هستیم. حضرت فرمود علیکم بالتمتع. خب بعضی از ما صرورة هستیم یعنی بعضی از ما حج واجب‌مان هست امسال حجه الاسلام هست امسال. نه این‌که حج مستحب‌مان است چون مستطیع نیستیم. این خلاف ظاهر است.

[سؤال: ... جواب:] بعضنا صرورة می‌خواهد حج واجب‌مان است در حج واجب چکار بکنیم؟ دفعه اول‌مان است در حج مستحب چکار بکنیم؟ این ظاهر و بعضنا صرورة می‌خواهد بگوید حج واجب است چکار کنیم؟ ... ببینید این روایات که ما می‌خوانیم بعضی از آن‌ها اقوی ظهورا است بعضی از آن‌ها ظاهر است. اما هیچکدام درست نیست بگوییم ظاهر نیست. حالا این اقوی ظهورا نباشد ظاهر است. اقوی ظهورا از این هم داریم بخوانم.

روایت پنجم صحیحه معاویه بن عمار: رجل توفی و اوصی ان یُحج عنه قال ان کان صرورة فمن جمیع المال انه بمنزلة دین الواجب و ان کان قد حج فمن ثلثه و من مات و لم‌یحج حجة الاسلام و لم‌یترک قدر نفقة الحمولة له ورثة فهم احق بما ترک. شخصی فوت کرد وصیت به حج کرد حضرت می‌فرماید اگر صرورة است از اصل ترکه باید حج بروند ورثة؛ چون این دین است. اگر صرورة است یعنی تا حالا حج نرفته ولی مستطیع نبود، این باید از اصل ترکه خارج بشود؟ یک خانه بیغوله‌ای داشت که بعد از فوتش می‌شود پول حج را با او تحصیل کرد یک سی ملیونی می‌ارزید که می‌شود با آن حج رفت ولی تا زنده بود که نمی‌شد این را بفروشد مستطیع نبود، به این هم می‌گویند صرورة. این هم باید از ترکه‌اش حج بجا آورده باشد؟ انه بمنزلة دین الواجب؟ این را که نمی‌گوید. صرورة، فمن جمیع المال، یعنی کسی که بر او حجه الاسلام واجب بود که اگر حج می‌رفت حجش حجة ‌الاسلام بود.

[سؤال: ... جواب:] و کسی که فوت کند و حجة الاسلام بجا نیاورده مستطیع نبود؛ چون مستطیع نبود حجة الاسلام بجا نیاورد. این ذیل این را می‌گوید. می‌گوید ورثه آزادند. صرورة می‌شود کسی که بر او حجة الاسلام واجب است و اگر حج برود حجش حجة الاسلام است. این می‌شود صرورة. صرورة در این روایت کسی است که حج بر او واجب است و اگر حج بورد حجش حجة‌ الاسلام است. اگر این فوت بکند باید از اصل ترکه‌اش خارج بشود حج.

 معتبره حماد روایت ششم: سالت اباعبدالله علیه السلام عن دخول البیت فقال اما الصرورة فیدخله. مستحب موکد است که صرورة داخل بشود در بیت الله الحرام، کعبه. اگر بگذارند قدیم باز بود در کعبه افراد می‌توانستند داخل بشوند. و اما من حج فلا. شما ممکن است بگویید شاید این مربوط به سال اول باشد. روایت دیگری است تفسیر کرده این را. روایت سلیمان بن مهران. می‌گوید: کیف صار الصرورة یستحب له دخول الکعبة دون من قد حج؟ قال: لان الصرورة قاض فرض مدعو الی حج بیت الله؛ صرورة مستحب موکد هست که داخل کعبه بشود. چرا؟ برای این‌که صرورة دارد انجام می‌دهد حج واجبش را؛ او را دعوت کردند برای حج. من استطاع الیه سبیلا شاملش شد. اما کسانی که حج مستحب دارند آن‌ها دعوت نشدند به حج.

[سؤال: ... جواب:] نه؛ سند خوب نیست و لکن بحث استعمال است؛ نیاز به سند ندارد.

[سؤال: ... جواب:] نه؛ وجوب را حمل کردیم بر استحباب موکد؛ چون واجب نیست مستحب موکد است ولی تعبیر کرد الصرورة قاض فرض مدعو الی حج البیت الله فیجب ان یدخل البیت الذی دعی الیه لیکرم فیه.

[سؤال: ... جواب:] آخرش این است که جعل کرده‌اند. جعال هم که نمی‌آید غلط حرف بزند. ... آن‌که جعل کرده کیست؟ ما که جعل نکردیم. در این سند یکی بوده که جعل کرده. این‌ها طبق عرف حرف می‌زدند. یک‌طوری هم باید جعل کند که احتمال صدقش باشد پس طبق اسعتمال عرفی باید حرف بزند.

[سؤال: ... جواب:] حالا بحث دیگری است. ما به قرائن دیگر گفتیم حج واجب کسی بجا بیاورد از روایات استفاده می‌شود که مستحب موکد است دخول در کعبه بر او. بحث در این است که این روایت، صرورة را به معنای کسی گرفت که حج واجب بجا بیاورد چون گفت لانه قاض فرد.

در مقابل این روایات روایاتی داریم که ممکن است شما بگویید و لو این روایات که خوانده شده کلها او جلها او بعضها دیگه ظاهر در این است که صرورة کسی است که حجش حجة‌الاسلام است. در مقابل این روایت روایات دیگری است که خلاف این ظهور را می‌فهماند:

یکی صحیحه عبدالرحمن بن الحجاج. عبدالرحمن بن الحجاج می‌گوید: انی ارید الجوار من می‌خواهم در مکه بمانم بعد سؤالاتش را از حضرت می‌پرسد. حضرت می‌فرمایند وقتی ماه ذیحجه شد بروید جعرانه محرم بشوید. ظاهرش هم این است که محرم بشوید به حج افراد. بعد سؤال می‌کند زن‌‌هایی که با ما هستند چه؟ حضرت می‌فرماید فمر من کان منهن صرورة ان تحل بالحج فی هلال ذی الحجة فاما اللواتی قد حججن فان شئن ففی خمس من الشهر و ان شئن فیوم الترویة آن‌هایی که صرورة هستند اول ذیحجه بروند محرم بشوند به حج. آن‌هایی که قبلا حج بجا آوردند دوست دارند پنجم ذیحجه دوست دارند روز هشتم. گفته می‌شود تقابل بین صرورة گذاشت و بین اللواتی قد حججن نه اللواتی قد حججن حجة الاسلام.

[سؤال: ... جواب:] آن روایات گذشته قرینه داشتیم که مراد حج واجب است. ... بالاخره صرورة دارد. من حج قبل ذلک گرفت نه من حج حجة الاسلام.

روایت دوم صحیحه سعد سعد بن ابی خلف: سألت اباالحسن موسی علیه السلام عن الرجل الصرورة یحج عن المیت. خوب دقت کنید. قال نعم. اشکال ندارد اذا لم‌یجد الصرورة ما یحج به عن نفسه. اگر این صرورة مستطیع نیست مانعی ندارد از طرف میت حج بجا بیاورد. اذا لم‌یجد الصرورة ما یحج به عن نفسه. پس معلوم می‌شود صرورة کسی نیست که اگر حج بجا بیاورد حجش حجة الاسلام است؛ چون فرض کرد فرمود: صرورة یعنی کسی که تا حالا حج بجا نیاورده است می‌تواند از طرف میت حج بجا بیاورد به شرط این‌که مستطیع مالی نباشد. صرورةای که مستطیع مالی نیست. یعنی اگر حج هم بجا بیاورد حجش حجة الاسلام نیست. او می‌تواند نائب میت باشد.

[سؤال: ... جواب:] روایت می‌گوید صرورة اگر مستطیع نیست مانعی ندارد. ان لم‌یکن له مال. یعنی مستطیع نیست. پس فرض کرده صرورة است و مستطیع نیست یعنی اگر هم حج بجا می‌آورد حجة الاسلام نبود.

و همین‌طور روایاتی که قبلا خواندیم. روایات در همین بحث حلق بود می‌گفت: یجب الحلق علی من حج بدوا لم‌یحج قبله. یا ینبغی للصرورة ان یحلق و ان کان قد حج قبل ذلک فان شاء قصر و ان شاء حلق که این‌ها از این روایاتی است که ظاهر در این ممکن است باشد که صرورة کسی است که لم‌یحج قبل ذلک که موید آقای خوئی است.

ببینیم راجع به این دو طائفه از روایات چه باید بکنیم. ان‌شاءالله فردا.